

# در آغوش پیامبر

من صدای فرشته وحی را می شنیدم و بوی نبوت را با مشام جان  
استشمام می کردم



همان شکل گیری شخصیت علی و تحقق ضلع دوم از مثلث شخصیت وی ، وسیله پیامبر می باشد ، زیرا این بخش از عمر برای هر انسانی ، از لحظه های حساس و ارزنده او شمرده میشود ، و شخصیت کودک در این سن و سال ، بسان برگ سقیدی است که آماده پذیرش هر نوع شکل می باشد که روی آن ترسیم می شود ، و این فصل از عمر ، بسرای مریان و آموزگاران ، بهترین فرصتی است که روحیات پاک و فضائل اخلاقی کودک را که دست آفرینش در نهاد او به ودیعت نهاده است ، پرورش دهند ، و او را

هر گاه مجموع صفحات عمر امام را به پنج بخش قسمت کنیم (۱) نخستین بخش آن را ؛ زندگی امام پیش از بعثت پیامبر ، تشکیل می دهد ، اندازه عمر امام در این بخش از دهسال تجاوز نمی کند ، زیرا لحظه ای که علی (ع) دیده بجهان گشود بیش از سی سال از عمر پیامبر نگذشته بود ، و پیامبر نیز در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث گردید ، بنابراین علی در موقع بعثت پیامبر بیش از دهسال نداشت (۲)

حساس ترین حوادث زندگی امام در این بخش

(۱) در نخستین شماره سال جاری ، فهرست این پنج بخش را یاد آور شدیم  
(۲) برخی مانند ابن خشاب در کتاب «موالید الائمة» مجموع عمر علی (ع) را ۶۵ ، و مقدار عمر آن حضرت را پیش از بعثت ۱۲ سال دانسته است به کتاب «کشف الغمه» نگارش مورخ معروف علی بن عیسی اربلی متوفای سال ۶۹۳ ج ۱ ص ۶۵ مراجعه فرمائید

با اصول انسانی و ارزشهای اخلاقی و راه و رسم زندگی سعادت‌مندان، کاملاً آشنا سازند.

پیامبر عالی‌قدر اسلام، برای همین هدف عالی؛ تربیت علی را پس از تولد، به‌عهده گرفت، هنگامیکه مادر علی، نوزاد خود را خدمت پیامبر آورد، با علاقه‌شدید پیامبر نسبت به‌علی رو برو گردید، و پیامبر از وی درخواست نمود که گهواره علی را در کنار رختخواب او قرار دهد، تا در مشکلات زندگی به او کمک کند. از این جهت زندگانی امام از روزهای نخست با لطف خاص پیامبر آغاز گردید، نه تنها پیامبر گهواره علی را موقع خواب حرکت می‌داد، بلکه در مواقعی از روز، بدن او را می‌شست و شیر در کام او می‌ریخت، و در موقع بیداری با او، با کمال ملاحظت سخن می‌گفت، و گاهی او را به سینه خود

می‌گرفت و می‌گفت: این کودک برادر من، و در آینده ولی و یاور و وصی و همسر دختر من خواهد بود، روی علاقه‌ای که به علی داشت، هیچ‌گاه از او جدا نمی‌شد و هر موقع از مکّه برای عبادت به خارج شهر می‌رفت علی (ع) را همچون برادر کوچک یا فرزند دل‌بندی همراه خود می‌برد (۳)

هدف از این مراقبت‌ها این بود، که دومین ضلع مثلث شخصیت امام که همان تربیت است، به‌وسیله او انجام گیرد، و هیچ‌کس جز پیامبر در شکل‌گیری شخصیت او مؤثر نباشد.

امیرمؤمنان در سخنان خود خدمات ارزنده پیامبر را یادآوری نموده و می‌فرماید:

(۳) كشف الغمة ج ۱ ص ۹۰

(۲) نهج البلاغه عبده ج ۲ ص ۱۸۲ خطبه قاصه

«وقد علمتم موضعی من رسول الله (ص) بالقرابة القريبة و المنزلة الخصیصة؛ وضعنی فی حجره و انا ولید یضمنی الی صدره و یکنفی فی فراشه؛ و یمسني جسده و یشمنی عرفه و کان یمضغ الشیء ثم یلمقنیه» (۴)

: شما ای یاران پیامبر، از خویشاوندی نزدیک من با رسول خدا، و مقام (احترام) مخصوصی که نزد آن حضرت داشتم، کاملاً آگاه هستید، و میدانید که من در آغوش پرمهر او بزرگ شده‌ام، روزی که من نوزاد بودم، مرا به سینه خود می‌گرفت، و در کنار بستر خود، از من حمایت می‌کرد و دست بر بدن من می‌مالید، و من بوی خوش او را استشمام می‌کردم، و او غذا در دهان من می‌گذارد.

### پیامبر علی را پخانه خود می‌برد

از آنجا که خدا می‌خواهد، ولی بزرگ دین او در پخانه پیامبر بزرگ شود، و تحت تربیت رسول خدا قرار گیرد، توجه پیامبر را برای این کار معطوف می‌دارد.

مورخان اسلامی می‌نویسند: خشکسالی عجیبی در مکّه پدید آمد، ابوطالب عموی پیامبر، باعانه و هزینه سنگین رو برو بود، پیامبر با عموی دیگر خود «عباس» که ثروت و امکانات مالی آن‌بیش از ابوطالب بود به‌گفتگو پرداخت و هر دو نفر توافق کردند که هر کدام یکی از فرزندان ابوطالب را به

خود به آن مرکز عجیب عبادت و نیایش می برد یا او  
داد این مدت ترك می گفت :

قرائن نشان می دهد که از روزی که پیامبر علی را  
به خانه خود می برد ؛ هرگز روزی او را ترك نمیگفت  
مورخان می نویسند : علی آن چنان با پیامبر همراه  
بود که هر موقع پیامبر از شهر خارج می شد ، و به  
کوه یابان می رفت او را همراه خود میبرد ، (۷)  
ابن ابی الحدید میگوید : احادیث صحیح حاکی  
است وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر نازل  
گردید ، او را بمقام رسالت مفتخر ساخت علی در  
کنار پیامبر بود ، آنروز از همان ماهی بود که پیامبر  
برای عبادت به کوه «حراء» رفته بود .

امیرمؤمنان در خطبه قاصعه خود در این باره  
می فرماید : **و لقد كان يجاورني كل سنة بحراء**  
**فأراه ولا يراه غيري** ... «پیامبر هر سالی در  
کوه حراء به عبادت می پرداخت و جز من کسی او را  
نمی دید»!

این جمله اگر چه می تواند ناظر به مجاورت پیامبر  
در حراء در دوران پس از رسالت باشد ، ولی قرائن  
گذشته ، و اینکه مجاورت پیامبر در حراء غالباً قبل  
از رسالت بوده است تأیید میکند که این جمله میتواند  
ناظر به دوران قبل از رسالت باشد .

طهارت نفسانی علی ، و پاکي روح ، و تربیت های  
پی گیری پیامبر سبب شد که او در همان دوران کودکی  
با قلب حساس ، دیده نافذ و گوش شنوای خود ،

خانه خود بیرون تاد چنین روزهای قحطی گشایشی  
در کار «ابوطالب» پدید آید .

از این جهت عباس ، «جعفر» و پیامبر «علی» را به خانه  
خود برد (۵) این بار که امیرمؤمنان به طور کامل در  
اختیار پیامبر قرار گرفت ، توانست از خرمن اخلاق  
و فضائل انسانی او بهره زیادی بگیرد و تحت دهبیری  
پیامبر ، به عالیترین مدارج کمال روحی خود برسد  
امام درس خان خود ، به چنین ایام و روزها و  
مراقبت های بی گیری پیامبر اشاره می نماید و میفرماید :

**«و لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثرامه**  
**يرفع لي كل يوم من اخلاقه علما و يأمرنى**  
**بالاقتداء به» (۶)**

من بسان بچه نانه که بدنبال مادر خود می رود ؛  
بدنبال پیامبر می رفتم ، هر روز یکی از فضائل اخلاقی  
خود را برای من تعلیم می کرد و بمن دستور می داد  
که از آن پیروی نمایم .

**علی (ع) در غار حراء :**

پیامبر اسلام پیش از آنکه مبعوث به رسالت شود ؛  
سالی يك ماه تمام در غار «حراء» به عبادت می پرداخت  
و هر وقت ماه به پایان می رسید ، از کوه سرانیزر  
می گردید و يك سره به مسجد الحرام می رفت و هفت بار  
خانه خدا را طواف می کرد ، سپس به منزل خود  
باز می گشت .

در این موقع این سؤال پیش می آید که با نهایت  
شدیدی که پیامبر نسبت به علی داشت آیا او را همراه

(۵) نهج البلاغه عبه ج ۲ ص ۱۸۲ ، خطبه قاصعه

(۶) نهج البلاغه عبه ج ۲ ص ۱۸۲

(۷) شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۲۰۸

باشی (۱۰)

امیر مؤمنان درباره شنیدن صداهای غیبی در دوران کودکی چنین می‌فرماید: هنگام نزول وحی بر پیامبر صدای ناله‌ای به گوش من رسید، به رسول خدا عرض کردم این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است و علت ناله آن این است که پس از بعثت من از اینکه در روی زمین مورد پرستش واقع شود نومید گردید سپس پیامبر روبه علی کرد و گفت: «**انك تسمع ما اسمع وتري ما اري الا انك لتست بنبي و لكنك لوزير**» (۱۱) تو آنچه را که من می‌شنوم و می‌بینم می‌شنوی و می‌بینی جز اینکه تو پیامبر نیستی بلکه وزیر و یاور من می‌باشی.

**پایان نخستین بخش از زندگانی علی (ع)**

چیزهایی را ببیند و مواجی بشنود که برای مردم عادی دیدن و شنیدن آنها ممکن نیست چنانکه خود امام در این زمینه می‌فرماید:

**«اری نورالوحي والرسالة واشم ريح**

**النبوة» (۸)** من در همان دوران کودکی هنگامی که در حراء کنار پیامبر بودم، نوروحی و رسالت را که بسوی پیامبر سرازیر بود، می‌دیدم و بوی پاك نبوت را از او استشمام می‌کردم! **امام صادق (ع) می‌فرماید:** امیر مؤمنان، پیش از بعثت پیامبر اسلام، نور رسالت و صدای فرشته وحی را می‌شنید (۹) در این لحظه پیامبر به علی (ع) فرمود: اگر من خاتم پیامبران نبودم پس از من تو شایستگی مقام نبوت را داشتی ولی تو وصی و وارث من هستی، تو سرور اوصیاء و پیشوای پرهیزگاران می-

## چرا پیکار نکردم

امام حسن مجتبی (ع) در پاسخ نامه معاویه چنین نوشت:

«... لو اثار ان اقاتل احدا من اهل القبلة لبدات بقتالك:

فانی تو که تک اصلاح الامة و حقن دمائها ...»

: «اگر می‌خواستم با کسی از اهل قبله (یعنی با فرد بظاهر مسلمانی) جنگ

کنم اول با تو جنگ می‌کردم!

با این حال تنها بخاطر مصالح مسلمین و حفظ خون مردم، از پیکار با تو

صرف نظر کردم.

(۸) قاصعه خطبه شماره ۱۸۷

۹- پیش از آنکه پیامبر اسلام از طرف خدا به مقام رسالت برسد وحی و صداهای غیبی را بصورت

مرموزی که در روایات بیان شده است، در کم می‌کرد

(۱۰) شرح حدیدی ج ۳ ص ۳۱۰

(۱۱) - قاصعه خطبه شماره ۱۸۷